

ارزیابی اهداف، سیاستها و برنامه‌های عمران روستایی در برنامه پنج ساله دوم توسعه کشور (۷۸-۱۳۷۳) با تأکید بر ساماندهی فضاها و مراکز روستایی*

دکتر محمدرضا رضوانی - استادیار پژوهش موسسه جغرافیا، دانشگاه تهران

چکیده

در برنامه پنج ساله دوم توسعه کشور (۷۸-۱۳۷۴) فصل مستقلی راجع به عمران روستایی دیده می‌شود و امکان ارزیابی مشخص اهداف، سیاستها و برنامه‌های اجرایی آن وجود دارد. نتایج ارزیابیها نشان می‌دهد که این برنامه، حداقل نسبت به برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب اسلامی، بدلیل رعایت نسبی اصول برنامه‌ریزی از لحاظ ترتیب و وضوح اهداف، سیاستها و برنامه‌های اجرایی و داشتن فصل مستقل عمران روستایی مزایایی دارد. با اینحال معایب و نارسائیهای عمده‌ای نیز در محتوا و عملکرد برنامه عمران روستایی آن وجود دارد که از بین آنها می‌توان به عدم جامعیت اهداف و برنامه‌های توسعه روستایی بدلیل حاکمیت نظام برنامه‌ریزی بخشی در کشور، نارسائی و عدم هماهنگی و عدم انطباق کامل بین اهداف، سیاستها و برنامه‌های اجرایی با یکدیگر و همچنین اجرای محدود برنامه‌ها و تحقق نسبتاً کم اهداف کمی اشاره کرد. در مجموع، نارسائیهای اساسی در محتوای برنامه و عملکرد اجرایی آن باعث شده تا علیرغم تخصیص و هزینه اعتبارات نسبتاً زیاد، باز هم اهداف کمی و کیفی عمران روستایی تحقق چندانی نیابد. به همین دلیل باید با بازنگری برنامه‌های گذشته، در برنامه‌های آتی عمران روستایی اصلاحات لازم بوجود آید.

واژگان کلیدی: هدف کیفی، هدف کمی، سیاست و خط‌مشی، برنامه، ارزیابی، عملکرد، انطباق، نظام برنامه‌ریزی، اعتبارات

جاری و عمرانی

طرح مسئله

ارزیابی^(۱) یکی از مراحل مهم برنامه‌ریزیهای توسعه است که انجام آن در مرحله تهیه (پیش از اجرا)^(۲)،

* - این مقاله قسمتی از نتایج مطالعات طرح پژوهشی «ارزیابی سیاستها و خط‌مشی‌های برنامه‌ریزی سکونتگاههای روستایی در ایران» می‌باشد که با مساعدت معاونت پژوهشی دانشگاه توسط اینجانب در موسسه جغرافیا تهیه و اجرا گردیده است.

ضمن اجرا^(۱) و پس از اجرای^(۲) برنامه‌ها و طرحها ضروری می‌باشد و ضمن آنکه متضمن تهیه و اجرای صحیح و دقیق برنامه‌ها است، برنامه‌ریزان و سیاستگذاران را نیز در بازنگری و تحلیل برنامه‌های گذشته و تهیه برنامه‌های مناسب برای آینده یاری می‌رساند. در اکثر کشورهای آسیایی، اهمیت ارزیابی طرحهای توسعه روستایی هنوز کاملاً درک نشده است. در مواردی ارزیابیها در سطحی محدود، و نه به شکل نظام یافته و علمی، بلکه بصورت نظامهای گزارش‌دهی داخلی انجام می‌شود (کیاکجوری، ۱۳۶۶، ص ۶۴). در ایران نیز اگر چه در زیر مجموعه معاونت فنی سازمان برنامه و بودجه، دفتر نظارت و ارزشیابی وجود دارد، ولی بعلت دولتی بودن و محتوای اداری امور، ارزیابیها موفقیت‌آمیز و واقعی نبوده است. برنامه پنج ساله دوم توسعه کشور آخرین برنامه مصوب و اجرا شده کشور است که سال پایانی اجرای آن ۱۳۷۸ می‌باشد. عمران و نوسازی روستاها یکی از فصول این برنامه است که نسبت به برنامه‌های گذشته، بویژه در سالهای پس از انقلاب، از لحاظ مشخص بودن اهداف، سیاستها و برنامه‌های اجرایی، رعایت نسبی اصول برنامه‌ریزی و حجم و تنوع فعالیتها، کاملتر و جامع‌تر بوده و دارای امتیازاتی می‌باشد؛ ولی در برخی زمینه‌ها نیز دارای نارسائیهایی است. بهرحال ارزیابی دقیق محتوا و عملکرد اجرایی این برنامه ضروری بوده و در آستانه تهیه و اجرای برنامه سوم توسعه کشور می‌تواند برنامه‌ریزان کشور را یاری رساند. البته برای ارزیابی دقیق و کامل برنامه‌ها و طرحها در همه ابعاد، مشکلات و موانع زیادی از جمله کمبود آمار و اطلاعات وجود دارد و به زمان طولانی هم نیاز است. برای ارزیابی محتوای طرحها و برنامه‌ها، رویکردهای اقتصادی از جمله تجزیه و تحلیل هزینه - فایده، بهینه‌سازی هزینه عمومی و صرفه‌جویی ناشی از مقیاس وجود دارد (کلاک، ۱۹۸۳، ص ۱۸۵). در این مقاله سعی بر آن است که جنبه‌های اساسی ارزیابی از جمله اثربخشی، اهمیت و معنا، کارایی و انطباق (هومن، ۱۳۶۸، ص ۱۷۴) برنامه‌های عمران روستایی در راستای اهداف ذیل مورد نقد و ارزیابی قرار گیرد:

- ۱- ارزیابی جامعیت و هماهنگی اهداف و معنی دار بودن انتخاب آنها در فرآیند برنامه‌ریزی؛
- ۲- ارزیابی میزان انطباق اهداف، سیاستها و خط‌مشی‌ها، و برنامه‌های اجرایی با یکدیگر؛ و
- ۳- ارزیابی عملکرد و میزان تحقق اهداف و برنامه‌ها.

روش کار

برای ارزیابی برنامه‌های عمران روستایی در برنامه پنج ساله دوم توسعه کشور در زمینه‌های یاد شده، ابتدا اهداف کیفی، سیاستها، اهداف کمی، برنامه‌ها و اقدامات اجرایی فصل عمران و نوسازی روستاها از مستندات برنامه دوم توسعه کشور استخراج گردید. سپس با در نظر گرفتن تمام ابعاد و جنبه‌های مرتبط با روستاها، جامعیت و معنی‌داری، اهداف و برنامه‌های روستایی در برنامه دوم بویژه آنچه در فصل عمران روستایی آمده، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. برای ارزیابی و تحلیل میزان انطباق اهداف، سیاستها و برنامه‌های اجرایی با یکدیگر سعی گردیده با توجه به مفهوم و محتوای آنها، با استفاده از یک دیاگرام، برحسب یکدیگر طبقه‌بندی و تفکیک شده و نحوه ارتباط و میزان انطباق آنها از طریق پیوندهایی نشان داده شود. بمنظور بررسی عملکرد و میزان تحقق

هدف‌های کمی و برنامه‌های اجرایی، آمار و اطلاعات لازم از سازمان برنامه و بودجه، وزارت جهاد سازندگی و بنیاد مسکن در مورد اقدامات عمرانی روستایی در طول برنامه دوم جمع‌آوری و با مقایسه آنها با هدف‌های کمی برنامه، با توجه به اعتبارات جاری و عمرانی تخصیص یافته و هزینه شده، میزان تحقق برنامه‌ها، سیاستها و هدف‌های کیفی ارزیابی می‌گردد. در نهایت با توجه به مطالعات تجربی انجام شده سعی می‌شود تا مفهوم و معنی داری سیاستها و برنامه‌های اجرایی عمران روستایی ارزیابی گردد.

تحلیل و ارزیابی اهداف کیفی عمران روستایی

یکی از بخش‌های دوازده‌گانه برنامه‌ریزی در برنامه پنج ساله دوم توسعه کشور، بخش عمران روستایی و عشایری است که این بخش به دو فصل عمران و نوسازی روستاها و عمران عشایری تقسیم شده است. با توجه به هدف‌های کلی برنامه دوم، در فصل عمران روستایی شش هدف کیفی در نظر گرفته شده است (دیاگرام شماره ۱). به دلیل بخشی بودن نظام برنامه‌ریزی کشور، آنچه تحت عنوان هدف‌های کیفی عمران روستایی آمده، جامع نبوده و کلیه ابعاد و شئون روستاها را پوشش نمی‌دهد و فقط شامل برخی از آنها می‌باشد. بعنوان مثال امور مربوط به کشاورزی، پرورش دام و طیور، شیلات و آبیان که ارکان اصلی اقتصادی روستاها را تشکیل می‌دهند، در فصل عمران روستایی دیده نمی‌شود. همچنین بسیاری از امور خدماتی روستاها از جمله راه‌های روستایی، برق، آب آشامیدنی، پست و مخابرات، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و بسیاری دیگر از خدمات روستایی در فصل عمران روستایی وجود ندارد و برنامه‌ریزی در این زمینه‌ها در دیگر بخش‌های برنامه‌ریزی شامل آب و کشاورزی، حمل و نقل و ارتباطات، انرژی و بهداشت و درمان گنجانده شده است (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۳، صص ۱-۱ تا ۹-۱). بنابراین پراکنده بودن اهداف و برنامه‌های عمران روستایی در بخش‌های مختلف برنامه‌ریزی در برنامه دوم باعث گردیده که این برنامه‌ها هماهنگی و انطباق لازم را با یکدیگر نداشته و در عمل مشکلات زیادی را بوجود آورند.

علاوه بر این، آنچه تحت عنوان هدف‌های کیفی در فصل عمران روستایی وجود دارد، در برخی موارد با مفهوم واقعی هدف کیفی تفاوت دارد. از مجموع شش هدف کیفی برنامه، این مشکل بیشتر در مورد دو هدف کیفی «برقراری تناسب بین ارائه خدمات و جمعیت روستایی» و «اصلاح الگوی استقرار جمعیت در نواحی روستایی» دیده می‌شود. برقراری تناسب بین ارائه خدمات و جمعیت روستایی نمی‌تواند هدف کیفی عمران روستایی، آن هم یکی از مجموع شش هدف کیفی باشد؛ در این زمینه هدف می‌توانست «تامین نیازهای خدماتی روستائیان و ارتقاء پوشش آن در نواحی روستایی» در نظر گرفته شود. اصلاح الگوی استقرار در نواحی روستایی نیز نمی‌تواند یکی از مجموع شش هدف کیفی برنامه باشد، در این زمینه نیز هدف می‌توانست «توزیع منطقی و بهینه جمعیت در نواحی روستایی متناسب با قابلیت‌های محیطی، اقتصادی و اجتماعی» باشد. بنابراین حداقل دو هدف از مجموع هدف‌های کیفی فصل عمران روستایی در برنامه دوم توسعه، مفهوم هدف کیفی و آن هم بعنوان دو هدف از مجموع شش هدف کیفی را ندارد و به سیاست و خط‌مشی شباهت بیشتری دارند تا به هدف کیفی.

تحلیل و ارزیابی سیاستها و میزان انطباق آنها با هدفهای کیفی

سیاست^(۱) دستور راهنمای تفکر و تصمیم‌گیری برای مدیران است و چارچوبها و خطوط راهنمای تصمیم‌گیری در انتخاب گزینه‌های مختلف اجرایی استراتژی برای محقق را فراهم می‌کند. سیاستها بصورت مجموعه‌ای از معیارها و تدابیر قانونی، فنی، اجرایی، پولی و مالی هستند که اتخاذ آنها، تسهیلات لازم جهت تحقق هدفهای برنامه را فراهم می‌سازد (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷، ص ۶۰). در راستای هدفهای کیفی عمران روستایی در برنامه دوم، هشت خط‌مشی اساسی و سیاست ارائه شده است (دیاگرام شماره ۱) که با توجه به تعریف سیاست، برخی از خط‌مشی‌ها و سیاستهای تدوین شده، با مفهوم واقعی سیاست تفاوت داشته و در مواردی با مفهوم هدف، شباهت بیشتری دارند. این وضعیت بیشتر در مورد سه سیاست شامل؛ ایجاد تحول در ساختار روستایی و عشایری، بهره‌برداری مطلوب از منابع طبیعی با مشارکت روستائیان و عشایر، و توسعه و تعمیم آموزش و پرورش و بهداشت مصداق دارد. نکته جالب دیگر اینکه همین سه سیاست، بطور مشترک هم در فصل عمران روستایی و هم در فصل عمران عشایری دیده می‌شود؛ در حالیکه هدفهای کیفی این دو فصل با یکدیگر تفاوت دارند.

در رابطه با انطباق سیاستهای برنامه با هدفهای کیفی و میزان این انطباق، معمولاً در یک نظام برنامه‌ریزی کارآمد و دقیق، باید انطباق کامل بین اهداف و سیاستهای برنامه وجود داشته باشد؛ یعنی متناسب با هر یک از هدفهای کیفی برنامه، سیاست یا سیاستهایی ارائه شده باشد. هدف بدون خط‌مشی و سیاست و همچنین سیاست و خط‌مشی بدون انطباق با اهداف کیفی تدوین نشده باشد. برای بررسی میزان انطباق اهداف، سیاستها و اقدامات اجرایی برنامه، دیاگرام شماره (۱) تهیه شده و میزان انطباق آنها با یکدیگر ارزیابی و نشان داده شده است. همانطور که ملاحظه می‌شود، در شش مورد، انطباق بین سیاستها و اهداف در حد زیاد می‌باشد؛ ولی متأسفانه در سه مورد نیز عدم انطباق یا حداقل انطباق کم وجود دارد. بعنوان نمونه یکی از هدفهای کیفی عمران روستایی «ارتقاء نقش روستائیان در اداره امور روستاها» می‌باشد؛ در این زمینه هیچ خط‌مشی و سیاست، هدف کمی و برنامه اجرایی مشخص در برنامه ارائه نشده است و در این زمینه صرفاً به تعیین هدف کیفی پرداخته شده است. در این مورد فقط سیاست «بهره‌برداری مطلوب از منابع طبیعی با مشارکت روستائیان و عشایر» انطباق کم و ناقصی با آن دارد. همچنین در مورد هدف کیفی «توسعه یکپارچه فضاهاى داراى ظرفیت بالقوه رشد» با ذکر این نکته که توسعه یکپارچه، یکی از رویکردها و یا راهبردهای توسعه روستایی و نه هدف کیفی می‌باشد، باید خاطر نشان ساخت که در این زمینه نیز هیچ سیاست و خط‌مشی مشخصی در برنامه ارائه نشده است. البته با توجه به مفهوم جامع توسعه یکپارچه، ممکن است این تصور بوجود آید که هدف کیفی توسعه یکپارچه با تمام خط‌مشی‌ها و سیاستهای برنامه انطباق دارد؛ ولی حتی اگر این موضوع را بپذیریم، از آنجا که توسعه یکپارچه و همه جانبه با تمام ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و فضائی - کالبدی روستاها سروکار دارد، مجموع سیاستهای ارائه شده در برنامه عمران روستایی نیز نمی‌توانند آنرا بطور کامل پوشش دهند؛ چرا که همانطور که قبلاً تذکر داده شد، بدلیل بخشی بودن نظام برنامه‌ریزی در ایران، فصل عمران روستایی جامعیت نداشته و تمام ابعاد روستاها را

پوشش نمی‌دهد، بنابراین سیاستها و برنامه‌های فصل عمران روستایی نیز جامعیت ندارد و نمی‌تواند هدف کیفی توسعه یکپارچه را پوشش کامل دهد. در دیاگرام شماره (۱) اهداف، سیاستها و اقدامات اجرایی برنامه بر حسب یکدیگر تفکیک و طبقه‌بندی شده و میزان انطباق آنها با یکدیگر نشان داده شده است.

تحلیل و ارزیابی هدفهای کمی و اقدامات اجرایی و میزان انطباق آنها با سیاستها و هدفهای کیفی

در فصل عمران روستایی برنامه دوم، برنامه‌های اجرایی در قالب سه برنامه «بهبودی و نوسازی روستاها»، «برنامه ساماندهی روستاهای پراکنده» و «برنامه ایجاد و توسعه صنایع روستایی» و هدفهای کمی در قالب هدف کمی ارائه شده است (دیاگرام شماره ۱). در مورد هدف کیفی توسعه یکپارچه که سیاست مشخصی برای آن در برنامه دوم تدوین نشده، در ذیل برنامه بهسازی و نوسازی روستاها، هدف کمی توسعه یکپارچه در حداکثر ۱۰۰ ناحیه روستایی آمده است. در این زمینه با توجه به نقش و اهمیت توسعه یکپارچه و ماهیت متفاوت آن با موضوع بهسازی و نوسازی روستاها، لازم بود این هدف در یک برنامه اجرایی مستقل و نه در ذیل برنامه بهسازی و نوسازی روستاها گنجانده شود. سایر هدفهای کمی برنامه بهسازی در این زمینه شامل؛ ایمن‌سازی مساکن روستایی در برابر سوانح طبیعی و اصلاح کالبدی بافت روستاها می‌باشد. از مجموع اقدامات اجرایی پیش‌بینی شده در برنامه (فصل عمران روستایی) چهار اقدام اجرایی در راستای تحقق این برنامه و اهداف کمی آن است. برنامه ساماندهی روستاهای پراکنده، تقریباً در رابطه با هدفهای کیفی اصلاح الگوی استقرار جمعیت در نواحی روستایی و برقراری تناسب بین جمعیت و خدمات روستایی ارائه شده که مهمترین خط‌مشی و سیاست ارائه شده برای آن، مطالعه ساختار فضایی مطلوب و ... می‌باشد. در ذیل این برنامه هدف کمی ادغام و تجمیع جمعیت ۱۰۰ ناحیه روستایی مشخص شده است. صرف‌نظر از ماهیت این هدف کمی و اینکه آیا برای ساماندهی روستاهای پراکنده فقط راه حل تجمیع و ادغام وجود دارد یا اینکه گزینه‌های دیگری نیز مطرح است، اساساً بحث ادغام و تجمیع آبادیها یک سیاست و خط‌مشی است و نه یک هدف کمی؛ ولی در سیاستهای فصل عمران روستایی به این خط‌مشی اشاره نشده است. همچنین بطوریکه که ذکر شد، تاکید بر یک سیاست و گزینه در برنامه ساماندهی روستاهای پراکنده نادرست بوده و گزینه‌ها و سیاستهای دیگری نیز برای ساماندهی روستاهای پراکنده وجود دارد. علاوه بر این، پسوند پراکنده در این برنامه کافی نبوده، چراکه عمدتاً ساماندهی آبادیهای کوچک با جمعیت کمتر از ۱۰۰ نفر و عمدتاً پراکنده مورد نظر دست اندرکاران تهیه برنامه و مجریان آن بوده است. بهر حال از مجموع اقدامات اجرایی پیش‌بینی شده در برنامه، پنج اقدام اجرایی در راستای تحقق این برنامه و هدف کمی آن است که سه اقدام اجرایی آن شامل: مکان‌یابی و تهیه طرح آماده سازی در نقاط با قابلیت تجمیع، آماده‌سازی زمین، استقرار خدمات زیربنایی، خدماتی و تولیدی در نقاط تجمیع، برقراری تسهیلات تشویقی جهت جذب جمعیت به نقاط انتخابی منوط به تحقق کار تجمیع روستاهای پراکنده است؛ یعنی در صورتیکه طرحهای امکان‌سنجی تجمیع، انجام تجمیع را در نواحی روستایی امکان‌پذیر بدانند و اقدامات اجرایی را برای اجرای آن پیشنهاد دهند، در این صورت انجام اقدامات اجرایی ارائه شده توجیه پیدا خواهد کرد. برنامه ایجاد و توسعه صنایع روستایی، سومین برنامه اجرایی فصل عمران روستایی می‌باشد که مهمترین هدف کمی ذیل آن، تکمیل و راه‌اندازی ۳۳ ناحیه صنعتی روستایی نیمه تمام می‌باشد. این برنامه در راستای کامل هدفهای کیفی و

سیاستها و خط‌مشی‌های عمران روستایی بوده و با آنها انطباق کامل دارد. از اقدامات اجرایی پیش‌بینی شده فصل عمران روستایی در برنامه دوم، چهار اقدام اجرایی در راستای اجرای این برنامه و تحقق هدف کمی آن می‌باشد.

ارزیابی عملکرد و میزان تحقق هدفهای کمی و اقدامات اجرایی

با توجه به هدفهای کمی و اقدامات اجرایی پیشنهادی در فصل عمران روستایی و اینکه سال ۱۳۷۸ آخرین سال اجرای برنامه دوم توسعه است، می‌توان ثمربخشی و عملکرد برنامه را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد. البته اطلاعات لازم در این زمینه هنوز بطور کامل توسط ارگانهای مسئول تهیه، طبقه‌بندی و قابل ارائه نشده است و بیشتر داده‌ها مربوط به سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ یعنی دو سال اول اجرای برنامه می‌باشد. بطور کلی اعتبارات عمرانی و جاری فصل عمران و نوسازی روستاها در طول برنامه دوم به ترتیب معادل ۳۰۱/۶ و ۳۲۹/۱ میلیارد ریال طبق برنامه بوده است (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۳، صص ۵-۳). عملکرد فصل عمران روستایی در برنامه دوم به تفکیک هر یک از برنامه‌ها و اقدامات اجرایی به شرح زیر است:

ارزیابی عملکرد برنامه توسعه یکپارچه نواحی روستایی

یکی از اهداف کیفی برنامه، توسعه یکپارچه فضاها و روستایی بوده و در این زمینه، هر چند سیاست مشخص و جامعی برای تحقق آن ارائه نشده، ولی در ذیل برنامه بهسازی و نوسازی روستاها، امکان‌سنجی توسعه یکپارچه در حداکثر ۱۰۰ ناحیه روستایی پیش‌بینی شده بود که در برنامه مصوب، این تعداد به ۷۵ ناحیه رسیده است (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷، ص ۷۴). در این زمینه عملکرد برنامه بسیار ضعیف بوده است. با استناد به آخرین اطلاعات دریافتی از بنیاد مسکن بعنوان یکی از متولیان عمران روستایی، اقدامات انجام شده برای تحقق این برنامه شامل تهیه یک طرح توجیهی بود که در آن مفهوم، ماهیت، ابعاد و شاخصهای توسعه یکپارچه تعریف شده و در نهایت شرح خدمات برای آن تدوین شده است. اقدام دیگر بنیاد در این زمینه، تهیه طرح توسعه یکپارچه غرب زنجان است که تهیه آن در سال ۱۳۷۹ انجام شده است. جهاد سازندگی در این زمینه مطالعات نظری و موردی چندانی نداشته، ولی تهیه طرح جامع ناحیه قزل اوزن با اعتبار ۱۰۲۷ میلیون ریال توسط جهاد را شاید بتوان اقدامی در جهت تحقق برنامه توسعه یکپارچه دانست. بنابراین ملاحظه می‌شود که نسبت به برنامه مصوب (تهیه طرح توسعه یکپارچه در حداکثر ۷۵ ناحیه روستایی) عملکرد برنامه بسیار ضعیف است و نسبت به این موضوع مهم، سازمان برنامه و بودجه و ارگانهای مسئول غفلت کرده‌اند؛ چرا که اهمیت تهیه طرحهای توسعه یکپارچه برای روستاها بیش از دیگر برنامه‌های عمران روستایی، از جمله طرح ساماندهی روستاهای پراکنده می‌باشد (جدول شماره ۱).

ارزیابی عملکرد برنامه بهسازی و نوسازی روستاها

با توجه به هدفهای کمی و اقدامات اجرایی پیش‌بینی شده در این برنامه، عملکرد این برنامه با در نظر گرفتن سوابق اجرایی آن، حداقل در زمینه تهیه طرحهای بهسازی نسبتاً زیاد بوده است. طبق بررسیهای بعمل آمده، در طی سالهای ۷۵-۱۳۶۷ برای ۲۲۳۸ روستا طرح بهسازی تهیه شده و در ۱۶۳۸ روستا نیز در این مدت پروژه‌های

بهسازی اجرا گردیده است. (جهاد سازندگی، ۱۳۷۸) در طول برنامه دوم نیز برای ۴۴۵ روستا مطالعه بهسازی و برای ۶۰۰ روستا یک یا چند پروژه بهسازی اجرا شده است. (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷، ص ۵۰ و ۷۴) بطور کلی در زمینه بهسازی و نوسازی روستاها، عملکرد برنامه از لحاظ تعداد طرحهای تهیه شده موفق بوده، ولی در زمینه اجرای طرحها، وجود مسائل و مشکلات مالی، مدیریتی، فنی و اجتماعی - اقتصادی باعث شده تا اجرای این طرحها روند بسیار کندی داشته باشد (جدول شماره ۱). لازم به ذکر است که برای برنامه مطالعه و اجرای بهسازی روستاها در سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ مبلغ ۱۲۲/۱۵۹ میلیون ریال هزینه شده است (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷، ص ۷۴).

در مورد ایمن سازی مساکن روستایی که در برنامه، ایمن سازی ۵۰۰ هزار واحد مسکونی پیش بینی شده بود، آمار و اطلاعات لازم در دسترس نیست. در این زمینه چون دولت و بنیاد مسکن نقش غیر مستقیم دارند و غالباً کمکهای اعتباری و فنی در اختیار روستائیان قرار می دهند، عوامل موثر بر میزان اجرای این برنامه خارج از کنترل دولت است و علاوه بر اینکه میزان تحقق این برنامه در مجموع کل کشور اندک بوده، اطلاع دقیقی از عملکرد آن وجود ندارد. از دیگر اقدامات انجام شده در این زمینه، تدوین ضوابط و مقررات فنی مسکن روستایی توسط بنیاد مسکن است که در سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ مبلغ ۴۴۰ میلیون ریال برای آن هزینه شده است (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۷۵).

ارزیابی عملکرد برنامه ایجاد نواحی صنعتی

در این زمینه مهمترین هدف کمی برنامه، تکمیل و راه اندازی ۳۳ ناحیه صنعتی نیمه تمام بوده که عملیات اجرایی آنها در طول برنامه اول شروع شده بود. بدلیل مسائل و مشکلات شغلی و اقتصادی در نواحی روستایی و ضرورت توسعه صنایع روستایی، جهاد سازندگی همزمان با تکمیل نواحی صنعتی موجود، شروع به تاسیس نواحی صنعتی جدید در نواحی روستایی کرده است. براساس آخرین اطلاعات کسب شده از جهاد سازندگی، اکنون بیش از ۱۷۷ ناحیه صنعتی در نواحی روستایی وجود دارد که تعداد زیادی از آنها از پیشرفت فیزیکی بسیار کمی برخوردارند. از این نواحی صنعتی، ۱۴۴ ناحیه در طول برنامه دوم تاسیس شده و آنچه اکنون در کشور وجود دارد، ۱۷۷ ناحیه صنعتی نیمه تمام است. بدلیل مشکلات متعدد از جمله کمبود سرمایه و سرمایه گذار در نواحی روستایی، مشکلات کلان اقتصاد کشور بویژه در بخش صنعت و سیاستهای پولی و ارزی دولت، علیرغم سرمایه گذاری ۹۳۶۵ میلیون ریالی دولت طی سالهای ۷۵ - ۱۳۷۳ در زمینه ایجاد نواحی صنعتی روستایی، متأسفانه موفقیت در این زمینه قابل توجه نبوده و اکثر نواحی صنعتی از پیشرفت فیزیکی بسیار کم برخوردار هستند (سازمان برنامه، ۱۳۷۷، ص ۷۵).

جدول ۱ - عملکرد و اقدامات انجام شده با توجه به اهداف، سیاستها و برنامه‌های عمران روستایی در برنامه پنج ساله دوم توسعه کشور (۷۸ - ۱۳۷۴)

هدف کیفی	خط مشی و سیاست پیشنهادی	هدفهای کمی، برنامه‌ها و اقدامات اجرایی پیشنهادی	اقدامات اجرایی انجام شده در طول برنامه
۱ - توسعه یکپارچه فضاهای دارای ظرفیت بالقوه رشد روستایی	عدم ارائه سیاست و خط مشی مشخص	امکان‌سنجی توسعه یکپارچه در ۷۵ ناحیه روستایی	مطالعه جامع و طرح توسعه یکپارچه چند ناحیه روستایی در کشور
۲ - ارتقاء نقش روستائیان در اداره امور روستاها	عدم ارائه سیاست و خط مشی مشخص	عدم وجود هدف و برنامه اجرایی پیشنهادی	عدم انجام اقدامات اجرایی
۳ - بهبود کیفیت زیست، اصلاح ساختار کالبدی و بهبود کیفیت سکونتگاههای روستایی	- اصلاح ساختار کالبدی روستاها با تاکید بر مطالعه و اجرای طرحهای بهسازی و نظارت بر آنها در مراکز روستایی با جلب مشارکت مردم. - بهبود الگوی ساخت و ساز مسکن روستایی از طریق آموزش و هدایت روستائیان به منظور ایجاد واحدهای مسکونی مقاوم و بهداشتی با تاکید بر استفاده از مصالح بادوام.	- اصلاح کالبدی و تعیین کاربریهای اراضی برای ۹۰۰ روستا شامل مراکز دهستان و روستاهای مرکزی. - بهسازی ۵۰۰ مرکز دهستان. - ایمن‌سازی ۵۰۰ هزار واحد مسکونی روستایی در مقابله با آسیب‌های ناشی از سوانح طبیعی. - تدوین ضوابط و مقررات فنی مسکن روستایی و تهیه و اجرای طرحهای آگاهی‌رسانی به روستائیان.	- تهیه طرحهای بهسازی برای ۴۴۵ روستا در طی سالهای ۷۵ - ۱۳۷۴. - اجرای یک یا چند پروژه بهسازی در ۶۰۰ روستا در طی سالهای ۷۵ - ۱۳۷۴. - نامشخص. - تدوین ضوابط و مقررات فنی مسکن روستایی.
۴ - ارتقاء ظرفیت اشتغال زایی صنایع کوچک و دستی در محیطهای روستایی	- ایجاد نواحی صنعتی. - ایجاد تحول در ساختار تولید روستایی از طریق آموزش، ترویج و انتقال تکنولوژی و بهبود مدیریت و کارایی روستائیان و عشایر و ایجاد تحول در آموزش فنی و حرفه‌ای روستایی و عشایری و برقراری سیستم آموزش سیار و اصلاح ساختار آموزشهای کشاورزی با اولویت کارآموزیهای کوتاه مدت.	- تکمیل و راه‌اندازی ۳۳ ناحیه صنعتی روستایی نیمه تمام. - ارتقاء مهارت فنی صنعتگران روستایی به میزان ۳۴۰ هزار نفر روز.	- برنامه‌ریزی و عملیات اجرایی برای احداث ۱۴۴ ناحیه صنعتی جدید که پیشرفت فیزیکی بسیار کمی داشته است (با توجه به نواحی صنعتی موجود تا سال ۱۳۷۴، تعداد کل نواحی صنعتی به ۱۷۷ ناحیه رسیده است). - سایر: نامشخص

اهداف کمی، برنامه‌ها و اقدامات اجرایی پیشنهادی	اقدامات اجرایی انجام شده در طول برنامه	هدف کیفی	خط‌مشی و سیاست پیشنهادی
<p>- ادغام و تجمیع جمعیت ۱۰۰ ناحیه روستایی پراکنده</p>	<p>- تهیه طرح ساماندهی روستاهای پراکنده یا امکان‌سازی تجمیع روستاهای پراکنده ۳۷ ناحیه روستایی توسط جهاد سازندگی و ۶۶ ناحیه روستایی توسط بنیاد مسکن - اقدامات برای اجرای طرح‌های امکان‌سنجی تجمیع در ۶ ناحیه روستایی توسط جهاد سازندگی</p>	<p>۵ - برقراری تناسب بین ارائه خدمات و جمعیت روستایی</p>	<p>- مطالعه و طراحی ساختار فضایی مطلوب و تجهیز سلسله مراتبی مراکز روستایی از نظر زیربنایها، خدمات پشتیبانی تولید و خدمات اجتماعی و فرهنگی در قالب نظام سطح‌بندی خدمات</p>
<p>- تدوین ضوابط و استانداردهای ارائه خدمات تولیدی، زیربنایی اجتماعی به مراکز روستایی.</p>	<p>- تهیه ضوابط و استانداردهای ارائه خدمات به روستاها و تصویب آن در شورای هماهنگی عمران روستایی و شورای عالی معماری و شهرسازی ایران.</p>	<p>۶ - اصلاح الگوی استقرار جمعیت در نواحی روستایی</p>	<p>- توسعه و تعمیم آموزش و پرورش و بهداشت و درمان روستائیان و عشایر از طریق افزایش سرمایه‌گذاریهای فیزیکی و انسانی متناسب با الگوی زیست روستائیان.</p> <p>- برقراری هماهنگی در مدیریت عمران و توسعه روستایی از طریق اصلاح قوانین و مقررات، روشها و تشکیلات و تعیین جایگاه مناسب برنامه‌ریزی عمران و توسعه روستایی در نظام برنامه‌ریزی کشور.</p>

ارزیابی عملکرد برنامه ساماندهی روستاهای پراکنده

این برنامه در راستای دو هدف کیفی برنامه شامل: برقراری تناسب بین ارائه خدمات و جمعیت روستایی و اصلاح الگوی استقرار جمعیت در نواحی روستایی می‌باشد که دارای خط‌مشی و سیاست مشخصی نیز هست. هدف کمی برنامه در این زمینه ادغام و تجمیع یا امکان‌سنجی تجمیع جمعیت ۱۰۰ ناحیه روستایی پراکنده است. در این زمینه با تخصیص ۱۷,۲۱۲ میلیون ریال طی سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵، تاکنون مطالعه ساماندهی ۳۷ ناحیه توسط جهاد سازندگی و ۶۶ ناحیه توسط بنیاد مسکن انجام شده و عملیات اجرایی ساماندهی در ۶ ناحیه روستایی توسط جهاد سازندگی در استانهای کرمان و خراسان در حال انجام است (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷، ص ۴۹).

بطور کلی با تهیه بیش از ۱۰۳ طرح ساماندهی یا امکان‌سنجی تجمیع روستاهای پراکنده، هدف برنامه در زمینه تهیه طرحها تحقق یافته، ولی در زمینه اجرا، علیرغم گذشت چند سال از تهیه طرحهای اولیه در آغاز برنامه، اقدامات چندانی برای اجرای آنها در عمل انجام نشده است. با توجه به اینکه تاکید این مقاله بر موضوع ساماندهی فضاها و مراکز روستایی در برنامه دوم است، ارزیابی راجع به طرحهای ساماندهی روستاهای پراکنده را می‌توان در سه زمینه بشرح ذیل خلاصه کرد:

۱- همانطور که قبلاً توضیح داده شد، در برنامه اجرایی ساماندهی روستاهای پراکنده بر تجمیع و ادغام یا امکان‌سنجی تجمیع روستاهای پراکنده (و کوچک) تاکید شده است، در حالیکه برای ساماندهی این آبادیها، گزینه‌ها و سیاستهای متعددی وجود دارد که بر حسب شرایط محیطی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی خاص می‌توان از آنها استفاده کرد. در واقع پیشنهاد یک خط‌مشی برای کل کشور که هر یک از نواحی آن شرایط خاصی دارد، سیاست نامطلوبی بوده و به همین دلیل، طرحهای تهیه شده در این زمینه موفقیتی در اجرا نداشته است. با توجه به این وضع، طبق نظر متولیان برنامه‌ریزی روستایی کشور در طرح ساماندهی فضاها و مراکز روستایی که به تائید شورای هماهنگی عمران روستایی کشور رسیده و شورای عالی شهرسازی و معماری ایران آنرا تصویب کرده، آمده است: «سیاستهای جاری و مورد نظر در این زمینه مانند جابجایی، ادغام و تجمیع آبادیهای کوچک و پراکنده نیز عمدتاً ناکام بوده و با شرایط زیست محیطی، اجتماعی و فرهنگی محیط روستایی ناسازگار است» (وزارت جهادسازندگی، ۱۳۷۷).

۲- بطور کلی طرحهایی که با عنوان ساماندهی روستاهای پراکنده توسط بنیاد مسکن یا امکان‌سنجی تجمیع توسط جهاد سازندگی در چند سال گذشته تهیه شده، موفقیت چندانی در اجرا نداشته‌اند. در برخی موارد اتخاذ سیاست تجمیع در طرحهای تهیه شده با توجه به پیامدهای احتمالی آنها مانع اجرا شده است. در موارد دیگر، مشکلاتی مانند کیفیت ضعیف طرحها، عدم پذیرش پیشنهادات آنها توسط همه مسئولین و دست اندرکاران، عدم هماهنگی بین ارگانهای مسئول در امور روستاها و در مجموع مشخص نبودن مدیریت اجرایی در این طرحها و جایگاه قانونی نامشخص آنها در نظام اداری - مدیریتی و به تبع آن عدم تخصیص اعتبارات عمرانی برای اجرا، مانع اجرای این طرحها شده است.

۳- در رابطه با سیاست تجمیع، ادغام و جابجایی روستاها باید خاطر نشان ساخت که هر چند این سیاست در قالب طرحهای ساماندهی یا امکان‌سنجی روستاهای پراکنده اجرا نشده، ولی به مناسبتهای دیگر این سیاست

در عمل استفاده گردیده است. در بازسازی نواحی جنگزده جنوب و غرب کشور، بازسازی نواحی زلزله زده استانهای گیلان و زنجان، بازسازی نواحی زلزله زده و سیلزده استان فارس، بازسازی نواحی سیلزده در استان سیستان و بلوچستان و در مناطق دیگری که روستاها بدلیل زلزله، سیل و رانش زمین تخریب شده، این خط‌مشی در مواردی اجرا شده است. حتی در این موارد نیز که تخریب روستاها فرصت ادغام و تجمیع یا جابجایی آنها را فراهم آورده، باز هم استفاده از آن، آثار و پیامدهای نامطلوبی ایجاد کرده است. برای بررسی آثار و پیامدهای مثبت و منفی استفاده از سیاست تجمیع در نواحی روستایی کشور به ذکر سه مورد از مطالعات ارزیابی انجام شده اکتفا می‌شود.

رحمتی (۱۳۷۶) در یک مطالعه تحقیقی به بررسی دگرگونیهای اجتماعی و اقتصادی ادغام روستاها در منطقه زلزله زده رودبار و منجیل پرداخته است. وی از پیامدهای اجتماعی این اقدام به تغییر در نظام همسایگی، دگرگونی بعد خانوار، کاهش اقتدار رؤسای خانواده، دگرگونی در مدیریت روستایی و روابط اجتماعی و از پیامدهای اقتصادی آن به دگرگونی در ساختار شغلی، کاهش فعالیت کشاورزی، فروپاشی اقتصاد دامی، کاهش درآمد، مصرف‌زدگی، مقروض شدن به سیستم بانکی و گسترش خدمات روستایی اشاره کرده است (رحمتی، ۱۳۷۶، صص ۳۲۰ - ۳۰۰).

ایزدی (۱۳۷۶) نیز در تحقیق خود ابتدا به ذکر این نکته می‌پردازد که در طی سالهای ۷۴ - ۱۳۶۵ برای بازسازی ۱۷۰ روستای تخریب شده بر اثر بلایای طبیعی از جمله سیل و زلزله در استان فارس، ۱۴ روستا در جاسازی، ۱۳ روستا مورد جابجایی و بقیه در قالب ۳۰ شهرک تجمیع شده‌اند. وی سپس در مطالعه موردی احداث شهرک ایثار (ناحیه خرامه شیراز) پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و کالبدی تجمیع روستاهای تخریب شده بر اثر سیل و تجمیع آنها در قالب شهرک ایثار را بطور مفصل بررسی کرده است. این پیامدها جنبه منفی و مثبت داشته و در نهایت وی نتیجه می‌گیرد که پیامدهای منفی تجمیع روستاها و ساخت شهرک، بسیار بیشتر از آثار مثبت آن بوده است (ایزدی، ۱۳۷۶، صص ۹۵ - ۷۱).

افراخته (۱۳۷۶) نیز در بررسی خود پیرامون ساخت شهرکهای روستایی از جمله مجتمع مسکونی علی اکبر که بدنبال سیل ۱۳۷۱ منطقه زابل برای بازسازی و ادغام روستاهای تخریب شده احداث گردیده، به این نتیجه رسیده است که پیامدهای مثبت ادغام و تجمیع روستاها و ساخت شهرک، بهبود وضع خدمات برای روستائیان و پیامدهای منفی آن مواردی از قبیل: افزایش فاصله بین محل کار - سکونت، مشکلات حمل و نقل، عدم تامین اشتغال در محل جدید اسکان، فروش دام و زمین جهت تامین هزینه ساخت مسکن و افزایش هزینه‌های زندگی روستائیان بوده است. وی عدم موفقیت طرح تجمیع را عدم رعایت دقت در انتخاب مکان و عدم رعایت ملاحظات اقتصادی و اجتماعی در این ناحیه ذکر کرده است (افراخته، ۱۳۷۶، صص ۵۶ - ۴۳).

بررسی عملکرد اعتبارات فصل عمران و نوسازی روستاها در برنامه دوم

در برنامه دوم (۷۸ - ۱۳۷۴) برای فصل عمران و نوسازی روستاها طبق برنامه مبلغ ۳۲۹/۱ میلیارد ریال اعتبارات جاری و ۳۰۱/۶ میلیارد ریال اعتبارات عمرانی پیش‌بینی شده بود. طبق اسناد ارائه شده از سوی دفتر اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه، (۱۳۷۸، ص ۸۵) عملکرد اعتبارات این فصل در طول برنامه دوم (عملکرد

اعتبارات در سال ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ و اعتبارات مصوب در سالهای ۱۳۷۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۸) در امور جاری و عمرانی به ترتیب ۷۵۸/۹ و ۵۱۳۳/۹ میلیارد ریال بوده که بدین ترتیب درصد تحقق اعتبارات جاری حدود ۲۳۰/۵ درصد و درصد تحقق اعتبارات عمرانی حدود ۱۷۰۲/۲ درصد بدست می‌آید. با بررسیهای انجام شده مشخص گردید که اشتباهاتی در این محاسبات صورت گرفته است. بدین ترتیب که اعتبارات پیش‌بینی شده فصل عمران و نوسازی روستاها همان اعتباراتی است که در برنامه مصوب وجود دارد، ولی از آنجائیکه طی سالهای اجرای برنامه، ارقام هزینه اعتبارات مربوط به راه روستایی، برق روستایی و آبرسانی روستایی (که در برنامه مصوب خارج از فصل عمران روستایی بوده است) از فصول مربوطه جدا و در فصل عمران روستایی منظور شده است، باعث بیشتر شدن اعتبارات هزینه شده نسبت به اعتبارات پیش‌بینی شده در برنامه گردیده است. به طور کلی اشتباه در ارقام ارائه شده باعث می‌شود که نتوان عملکرد واقعی اعتبارات فصل عمران روستایی در برنامه دوم را مشخص کرد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بطور کلی با بررسیهای انجام شده مشخص گردیده که برنامه پنج ساله دوم توسعه کشور (۷۸-۱۳۷۳)، گرچه به لحاظ برخورداری از فصل مستقل برای عمران روستایی، رعایت اصول کلی برنامه‌ریزی در زمینه ترتیب و مشخص بودن هدفهای کیفی، سیاستها و خط‌مشی‌ها، هدفهای کمی و اقدامات اجرایی، مزایایی دارد؛ ولی دارای معایب زیادی نیز هست. عدم جامعیت اهداف، سیاستها و برنامه‌های اجرایی در مقایسه با ابعاد و جنبه‌های متنوع روستاها (بدلیل حاکمیت نظام برنامه‌ریزی بخشی در کشور)، عدم تطابق کامل اهداف، سیاستها و برنامه‌های اجرایی مشخص شده با یکدیگر و تحقق ضعیف و ناقص هدفهای کمی و اقدامات اجرایی پیش‌بینی شده در عمل، و همچنین نارسا بودن هدفها، سیاستها و برنامه‌ها، از جمله این معایب می‌باشند. بدلیل همین نارسائیه‌ها، موفقیت‌های کسب شده برای توسعه روستاها بسیار کم بوده است. معمولاً در صورتیکه برنامه‌های توسعه بطور دقیق تهیه و اجرا شود، باید پس از گذشت مدت زمان اجرای برنامه، مثلاً در یک دوره پنج ساله، علاوه بر تحقق نسبتاً زیاد هدفهای کمی و اقدامات اجرایی، از لحاظ کیفی نیز تحولی در وضع روستاها بوجود آید و وضع آنها نسبت به قبل از اجرای برنامه از لحاظ هدفهای کیفی بهبود و ارتقاء یابد. ولی در کشور ما به دلیل مسائل و مشکلاتی که در تهیه و اجرای برنامه‌ها وجود دارد، طی برنامه دوم نیز بهبود قابل توجهی در وضع روستاها بوجود نیامده است. اگر هدفهای کیفی پیش‌بینی شده در فصل عمران روستایی را در نظر بگیریم، مهمترین دستاورد برنامه بطور نسبی فقط در زمینه برقراری تناسب بین ارائه خدمات و جمعیت روستایی بوده که در زمینه‌های مختلف پوشش خدماتی جمعیت روستایی و نسبت آبادیها و جمعیت برخوردار از خدمات ارتقاء یافته است. در مورد پنج هدف کیفی دیگر برنامه، ثمر بخشی برنامه‌ها بسیار کم بوده و قابل توجه نیست. به همین دلیل لازم است با بازنگری دقیق‌تر برنامه‌های گذشته، در آینده برنامه‌های مفیدتری تهیه شود و شرایطی نیز بوجود آید تا برنامه‌ها، عملکرد و اثر بخشی بالایی داشته باشند.

منابع و مأخذ

- ۱- افراخته، حسن؛ ارزیابی نتایج حاصله از اجرای طرحهای ساماندهی روستایی در کشور، مطالعه موردی: استان سیستان و بلوچستان، مجموعه مقالات سمینار ساماندهی روستاهای پراکنده، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶، صص ۹۷-۸۶.
 - ۲- ایزدی خرامه، حسن؛ بررسی پیامدهای تجمیع روستاهای تخریب شده بر اثر بلایای طبیعی در استان فارس - مطالعه موردی: شهرک ایثار، مجموعه مقالات سمینار ساماندهی روستاهای پراکنده، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶، صص ۱۶۲-۱۱۲.
 - ۳- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، معاونت عمران، دفتر طرحهای هادی - ۱۳۷۸
 - ۴- رحمتی، محمد مهدی؛ ادغام روستاها و دگرگونی اجتماعی - اقتصادی ناشی از آن، مورد: روستاهای زلزله زده منجیل - رودبار، مجموعه مقالات سمینار ساماندهی روستاهای پراکنده کشور، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶، صص ۳۲۲-۳۰۰.
 - ۵- سازمان برنامه و بودجه؛ پیوست لایحه برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران (۷۷-۱۳۷۳) - هدفها، خط‌مشی‌های اساسی و برنامه‌های اجرایی کلان و بخشی، ۱۳۷۲.
 - ۶- سازمان برنامه و بودجه؛ مطالعات مقدماتی تدوین برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (عمران روستایی و عشایری)، ۱۳۷۷
 - ۷- سازمان برنامه و بودجه؛ مستندات برنامه سوم توسعه کشور (۸۳-۱۳۷۹)، جلد دوم: مقدمه‌ای بر مفاهیم برنامه‌ریزی و تعریف اصطلاحات، ۱۳۷۷.
 - ۸- سازمان برنامه و بودجه؛ گزارش عملکرد اقتصاد کلان برنامه دوم توسعه کشور (۷۸-۱۳۷۴)، ۱۳۷۸.
 - ۹- سازمان ملل متحد، رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی توسعه، ترجمه محمد هومن، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۸.
 - ۱۰- سازمان ملل متحد، نظارت و ارزشیابی توسعه روستایی (تجربه‌هایی از آسیا)، ترجمه سعید کیاکجوری، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۶.
 - ۱۱- وزارت جهاد سازندگی، معاونت عمران و صنایع روستایی، دفتر بهسازی روستایی، ۱۳۷۸
 - ۱۲- وزارت جهاد سازندگی، چکیده طرح ساماندهی فضاها و مراکز روستایی، ۱۳۷۷، ص ۲، منتشر نشده.
- 13- Cloke, P.J.1983, An Introduction to Rural Settlement planning, Methen, London.